جمال شورجه (فیلمساز) ابوالقاسم طالبی(فیلمساز) محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملاقلی پور (فیلمساز) شهریار بحرانی (فیلمساز) پرویز شیخ طادی (فیلمساز) داود میرباقری (فیلمساز) حسین یاری(بازیگر) پروانه معصومی (بازیگر) مهدی فقیه (بازیگر) ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز) سلحشور (فیلمساز) هادی محمدیان(پویا نما) مجید مجیدی (فیلمساز) شهید آوینی (فیلمساز) جواد اردکانی (فیلمساز)

نشست برنامه تلویزیونی «وطن‌دار» در کیهان

تصویر متفاوت مهاجرین افغانستانی در ایران

■ آرش فهیم

عکس ها: محمد علی شیخ زاده

برنامه «وطن‌دار» که شنبه هر هفته از شبکه افق پخش می‌شود، روایتی متفاوت درباره کشور افغانستان است. ویژگی خاص این برنامه این است که برای اولین بار، با حضور نخبگان افغانستانی مقیم ایران به مسائل آن کشور می‌پردازد. همچنین بسیاری از عوامل این برنامه، ازجمله یکی از مجری‌های آن افغانستانی هستند. بخش «افغانستان‌گردی» این برنامه نیز جغرافیا، فرهنگ و بسیاری از جذابیت‌های کمتر دیده شده کشور افغانستان را به تصویر می‌کشد. چهاردهمین سالگرد حمله نظامی آمریکا و متحدانش به افغانستان، بهانه‌ای شد تا از «محسن اسلام زاده» تهیه‌کننده وطن‌دار، «سیدحسام رضوی» سردبیر این برنامه و دکتر سیدوحید ظهوری، از نخبگان افغانستانی مقیم ایران دعوت کنیم تا در نشستی به بررسی برنامه «وطن دار» و همچنین مسائل فرهنگی و رسانه‌ای افغانستان بپردازند.

***

*** آقای اسلام‌زاده، شما جزو هنرمندان و فعالان رسانه‌ای هستید که سال‌هاست روی موضوع افغانستان متمرکز شده‌اید که برنامه «وطن‌دار» کار اخیر شما در این زمینه است. چرا افغانستان برای شما اهمیت دارد؟**

اسلام‌زاده: شاید بتوان گفت که بخشی از این ماجرا یک اتفاق بود. البته من خودم همیشه به کار کردن در این نوع فضاها تمایل داشتم. ابتدا نیز بیشتر در حوزه جنوب شرق و سیستان و بلوچستان و سپس پاکستان کار می‌کردم. تا اینکه سال ۱۳۹۰ سفارش شد تا در زمینه شهدای دیپلمات یک فیلم مستند بسازم که به این ترتیب وارد حوزه افغانستان شدم. اما به طور کلی، افغانستان و افغانستانی برای یک مشهدی، غریبه نیست. چون جایی که ما زندگی می‌کنیم نزدیک مرز افغانستان است و ما با افغانستانی‌ها به نوعی همنشین و همسفره هستیم. ضمن اینکه وقتی شما وارد یک کشور دیگر می‌شوید و می‌بینید که فرهنگ و زبان مردم آن کشور با شما مشترک است و شما هم با آن‌ها دغدغه‌های مشترکی دارید، باعث می‌شود که انگیزه شما برای کار در آن حوزه بیشتر شود. اتفاقات افغانستان و مسائل روز آن کشور هم این دغدغه را بیشتر کرد. به خصوص اینکه می‌دیدم به رغم این همه نزدیکی و قرابت، اطلاعات ما درباره افغانستان و افغانستانی خیلی کم است. به هر حال، یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، پرورش جوان‌هایی است که به مناطق مختلفی می‌روند و روایت خود را از آن مناطق می‌آورند. من هم خوشحال هستم که عضوی از این خانواده هستم. انقلاب اسلامی یک بستر خیلی خوبی برای هنر و هنرمند است.

*** چطور شد که برنامه «وطن‌دار» را تولید کردید؟**

اسلام‌زاده: از چند سال قبل قرار بود که طرحی با موضوع افغانستان در شبکه افق اجرا شود، اما اجرا نمی‌شد. تا اینکه بعد از سه سفر به افغانستان من خودم خیلی راغب شدم که در این طرح حضور داشته باشم، چون دغدغه‌ام شده بود. تا اینکه بعد از مدتی تهیه‌کنندگی این کار به بنده واگذار شد و از ما خواستند که با این موضوع یک طرح ارائه کنیم. با توجه به اینکه سیدحسام رضوی در این حوزه خیلی کار کرده بود، از او دعوت کردم که به عنوان سردبیر در این برنامه با ما همکاری کند و طرحی را بنویسد. این طرح ارائه شد و شبکه از آن خیلی استقبال کرد و کار را شروع کردیم.

*** درباره طرح برنامه «وطن‌دار» و ایده‌هایی که در آن مطرح شد توضیح دهید.**

رضوی: یک خلأ در بحث افغانستان، مسئله مهاجرین بوده است. متأسفانه همواره نگاهی غیرواقعی درباره این طیف در بخش‌هایی از جامعه، دولت و رسانه‌ها غلبه داشت. برخی از روزنامه‌ها نیز مهاجرین افغانستانی را در صفحه حوادث خود خلاصه می‌کردند و هر چه جرم و جنایت بود را به آن‌ها نسبت می‌دادند که اغلب این اخبار دروغ بودند. تبلیغات برخی از رسانه‌ها علیه مهاجرین افغانستانی درحالی انجام می‌شد که اغلب این مهاجرین به کشور ما علاقه زیادی داشته‌اند و ایران را به چشم کشور آرمانی جهان اسلام نگاه می‌کرده‌اند. به طور مثال، در دوران دفاع مقدس، حدود دو هزار نفر افغانستانی در دفاع از ایران به شهادت رسیدند، همچنانکه امروز هم آن‌ها در جریان دفاع از حرم حضور پررنگی دارند. مهاجرین افغانستانی در همه بزنگاه‌های انقلاب اسلامی، در صف اول ایثار و از خودگذشتگی حضور داشتند. این مسائل سبب شد تا برنامه «وطن‌دار» با این رویکرد که نگاه دو ملت ایران و افغانستان را به هم نزدیک‌تر سازد، کلید بخورد. یعنی از یک طرف به معرفی نخبگان افغانستانی که کمتر شناخته شده‌اند می‌پردازیم. چون یک‌سری از این نخبگان مثل محمدکاظم کاظمی، دکتر فرهت، دکتر ظهوری و ... در جامعه ایران شناخته شده هستند. ما به جای آن‌ها به معرفی نخبگانی که شناخته نشده‌اند رفتیم. مثل دانشجویان و کارگرهای نخبه. حتی در یکی از قسمت‌های برنامه یک خانم را معرفی می‌کنیم که کارگاه خیاطی دارد و ده‌ها نیرو برای او کار می‌کنند که چنین شخصیت‌هایی نیز از نظر ما نخبه محسوب می‌شوند. به این ترتیب این برنامه در ۲۶ قسمت با موضوعات مختلف ادامه دارد. بحث‌هایی مثل تابعیت، حضور قانونی یا غیرقانونی، پیوند اعضا، آموزش و پرورش و دانشگاه، هیئت‌های عزاداری، فعالیت‌های فرهنگی، تردد و ... محورهای این برنامه هستند. این موضوعات که مسائل مبتلا به مهاجرین افغانستان است در بخش اول برنامه مطرح می‌شوند. در بخش دوم، برای اولین بار در صداوسیما یک خانم مجری افغانستانی - خانم قاسمی- برنامه را اجرا می‌کند و در این بخش نخبگان افغانستانی مقیم ایران حضور می‌یابند و با آن‌ها مصاحبه می‌شود. قسمت سوم برنامه نیز «افغانستان‌گردی» است. در این قسمت، محسن اسلام‌زاده، ماجراهای سفر یک ماهه خود به افغانستان را نمایش می‌دهد. در این بخش سعی شده تا تصویری واقعی از افغانستان امروز، بدون هیچ واسطه‌ای به تصویر کشیده شود. اتفاق دیگری که برای اولین بار در این برنامه رخ داده این است که عوامل اجرایی، فنی و محتوایی برنامه «وطن‌دار» اغلب مهاجرین افغانستانی هستند. به طوری که پشت صحنه برنامه، جلوه‌ای از همدلی ایرانی و افغانستانی است.

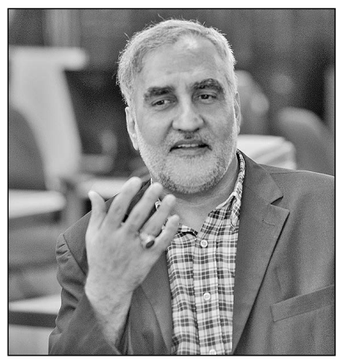

ظهوری

رضوی

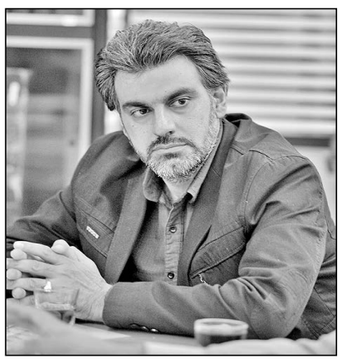

اسلام‌زاده

*** عوامل افغانستانی برنامه را چگونه شناختید؟**

رضوی: با توجه به اینکه سال‌هاست در حوزه مهاجرین افغانستانی فعالیت می‌کنیم، با این افراد آشنا بودیم.

*** آقای ظهوری! با توجه به اینکه شما خودتان هم از نخبگان افغانستانی مقیم ایران هستید، نظرتان درباره برنامه «وطن‌دار» چیست؟**

ظهوری: ابتدا جا دارد از آقایان اسلام‌زاده و رضوی به خاطر برنامه خوبشان (وطن‌دار) تشکر کنم. واقعیت این است که مهاجران افغانستانی، فقط به آرمان‌های الهی فکر می‌کردند و برمبنای حرکت حضرت امام خمینی(ره) که فرموده بودند اسلام مرز ندارد، به ایران آمدند. این دیدگاه شرایطی را می‌طلبید که باید نگاه به مهاجرین افغانستانی تغییر می‌کرد که در سال‌های اخیر به لطف نیروهای خردمند و حمایت‌های رهبر معظم انقلاب زمینه بسیار خوبی به وجود آمده است. حتی بسیاری از افغانستانی‌ها از جمله خود من برای مقطعی، فقط به اتهام «خمینیست» بودن در افغانستان دستگیر می‌شدند! ما هیچ گاه در ایران احساس غربت نمی‌کنیم و کشور ایران را کشور خود می‌دانیم. حضرت امام و رهبر انقلاب در صحبت‌ها و بیانات خود برای همه جهان اسلام الگو هستند و برای ما هم یک قوت قلب بوده‌اند. این قوت قلب کمک می‌کرد در عملکردهای خودمان مصمم باشیم و بهتر پیش برویم. این موضوع باعث شد که طی دهه‌های گذشته من خودم در جبهه هشت سال دفاع مقدس حضور پیدا کنم. دایی من و خیلی از دوستان ما در فتح خرمشهر شهید شدند، با این نگاه که حفظ اسلام و جمهوری اسلامی از اهم واجبات بود. دو هزار نفر افغانستانی که در دوران دفاع مقدس شهید شدند به خاطر آرمان‌های اسلام و ارزش‌های اعتقادی بود. در نهایت هیچ توقع دیگری هم نداشتند. هیچ کس هم آن‌ها را به زور به جنگ نبرد، چنان چه امروز هم شایعاتی در رابطه با مدافعان حرم هست، درحالی که هم در گذشته و هم امروز، همه با اخلاص به جهاد رفتند و حتی خانواده‌شان نیز از آن‌ها دفاع می‌کنند و از اینکه عزیزانشان در این راه شهید می‌شوند راضی هستند. این‌ها ارزش‌هایی است که در طول سه دهه اخیر مکتوم مانده بود و اگر این مسائل در این سال‌ها تبلیغ می‌شدند قطعا شرایط خیلی بهتری فراهم می‌شد و رسانه‌های تبلیغاتی خارج از کشور هیچ گاه نمی‌توانستند سوءاستفاده کنند. فصل جدیدی که امروز در فضای رسانه‌ای ایران باز شده خیلی ارزشمند است. حسن بزرگ کار شما (وطن‌دار) زمان آن است. شما دقیقا از زمان، خوب استفاده کردید. اگر در این زمان شروع نمی‌کردید دیر می‌شد.

*** چه نقد و نظری بر این برنامه دارید؟**

ظهوری: برنامه خیلی خوب و ارزشمندی است، من به نظرم می‌رسد که باید این کار حداقل ۱۵ سال قبل شروع می‌شد و امروز به پختگی می‌رسید. همچنان که خارجی‌ها در این زمینه خیلی به پختگی رسیده اند و تبلیغات دقیق و خاصی را دنبال می‌کنند و درست می‌زنند به خال! به جایی می‌زنند که آدم اصلا فکرش را نمی‌کند. این حرکت آغاز خیلی خوبی است برای اینکه در آینده به پختگی لازم برسد، نکته مهم این است که حوزه تمدنی افغانستان و ایران یک حوزه است. حتی خیلی از مفاخر فرهنگی ما مشترک است. تهاجمی که امروز از سوی آمریکا به افغانستان شده نیز تهاجم به حوزه تمدنی هر دو کشور است. همان طور که برخی از کشورها پیمان دفاع نظامی با هم دارند ما هم امروز باید پیمان دفاع فرهنگی و تمدنی داشته باشیم. حتی اگر این موضوع را از نظر فرهنگی هم قبول نداشته باشیم اما از نظر سیاسی باید بپذیریم. چون آمریکا و سایر قوای بیگانه برای ضربه زدن به ایران برای جبران خساراتی که انقلاب اسلامی برای آن‌ها به وجود آورد، نمی‌توانند مستقیم وارد ایران شوند. به همین دلیل از طریق برخی از کشورهای همسایه مخصوصا افغانستان که از نظر حوزه فرهنگی هم خیلی به ایران نزدیک است استفاده می‌کنند. به همین دلیل هم هست که شبکه‌های متعدد و رسانه‌های غربی را می‌بینیم که از افغانستانی‌ها استفاده می‌کنند. از این نظر است که من فکر می‌کنم برنامه «وطن‌دار» فقط برای افغانستان نیست بلکه برنامه‌ای برای حمایت از حوزه تمدنی هر دو کشور است.

در کنار نقاط قوتی که این برنامه از آن‌ها برخوردار است، اما باز هم باید به پختگی هم برسد؛ از مجری که حرکت اولیه برنامه است و برای جذب اولیه مخاطب خیلی اهمیت دارد گرفته تا بقیه موضوعات. اگر تعداد قسمت‌های این برنامه افزایش و زمان آن کاهش می‌یافت خیلی بهتر بود. چون زمان، به معرفی بهتر برنامه کمک می‌کند. به ویژه صحبت‌های طولانی مدعوین مانع ارتباط خوب مخاطب با برنامه می‌شود. بحث گذرنامه دانشجویان مهاجر موضوع خیلی مهمی است که به خوبی در یکی از قسمت‌های برنامه به آن پرداخته شد. همان‌طور که در تبلیغ این برنامه عنوان شد که یک برنامه کاملا متفاوت است، واقعا برنامه متفاوتی تاحدودی هم هست. چون هم تاکنون هیچ برنامه‌ای با این طول و تفصیل با موضوع افغانستان در صداوسیما نداشته ایم و نکته دیگری که باید خیلی به آن دقت شود، توجه به واقعیت‌هاست. مثل سفری که آقای اسلام‌زاده به افغانستان داشت. بحث بازگشت مهاجرین به وطن خود بحث خیلی مهمی است که برای این موضوع باید بحث افغانستان شناسی یک مقداری پررنگ‌تر شود. نمایش دیدنی‌ها و جذابیت‌های افغانستان با بهره از موسیقی خوب برای پس زمینه می‌تواند هم به معرفی بهتر افغانستان به ایرانی‌ها کمک کند و هم خیلی از مهاجران را برای بازگشت به وطن خود تشویق کند. خواهشم این است که در این برنامه به همان نسبت که دنبال نخبگان هستید، از سیاسی شدن پرهیز کنید و به همین ترتیب، بر مدار موضوعات علمی و آموزشی و فرهنگی پیش بروید و تا می‌توانید، چهره‌های جدید را مطرح نمایید.

اسلام‌زاده: در مسئله افغانستان، سرفصل‌ها بسیار زیاد است. اما به هر حال برنامه «وطن‌دار» سعی کرده با نخبگان و علمای افغانستان رابطه خیلی نزدیکی برقرار کند. یعنی تلاش ما این بوده که کارمان صرفا به دادن یک برنامه به تلویزیون محدود نشود. یکی از مسائلی که زمان برنامه را بالا برد که هم واکنش مثبت و هم واکنش منفی داشت، این بود که ما نمی‌توانستیم برنامه را به کارشناس محوری محدود کنیم. چون رسالت برنامه «وطن‌دار» تغییر نگاه است. در مرحله اول، مخاطب برنامه ما خود مردم ایران بودند تا با افغانستان بهتر آشنا شوند. هر چند طی سال‌های اخیر این اتفاق درحال رخ دادن است، خصوصا نزد قشر مذهبی جامعه ما. رسالت بعدی این بود که باید سراغ مشکلات مهاجران می‌رفتیم و باید این مشکلات پی‌گیری می‌شد و مسئولان باید پاسخ می‌دادند. خوشبختانه مسئولان همکاری خوبی داشتند و در برنامه حضور پیدا کردند و امیدواریم در آینده هم حضور پیدا کنند و در نهایت به یک فرهنگسازی برسیم. در این فرمول با این ریتم و حجم زیاد میان برنامه و طراحی بخش‌های مختلف، یک مقداری زمان برنامه بالا رفت که امیدواریم مخاطب حوصله دیدن داشته باشد. درباره پخته تر شدن برنامه هم که آقای ظهوری فرمودند، استمرار و تداوم چنین برنامه‌هایی به کسب تجربه و در نتیجه پختگی منجر می‌شود. ضمن اینکه این برنامه به پخش از تلویزیون منحصر نیست. بلافاصله بعد از پخش، محتوای برنامه پیاده‌سازی می‌شود و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد. بخشی از آن چیزی که در این برنامه پخش می‌شود، سند است.

*** با توجه به اینکه مهاجرین افغانستانی هم در تولید این برنامه حضور دارند، چه چیزی درباره آن‌ها توجه شما را جلب کرد؟**

اسلام‌زاده: ادبیات آن‌ها برای خود من خیلی جالب بود. آن‌ها همواره ما را به عنوان انصار و خودشان را به عنوان مهاجرین یاد می‌کنند. یک ادبیات اسلامی و انسانی و یک مراوده‌ای بین دو کشور برقرار است و خوشحال هستم که در این پروژه حضور دارم و می‌توانم به اندازه کوچکی به این مراوده کمک کنم.

رضوی: علاوه بر این نکات، حساسیت زیادی هم در این کار بود. در همه قسمت‌های برنامه، بحث بازگشت مطرح است و روی آن خیلی مصر هستیم. یکی از سرفصل‌های برنامه هم «بازگشت آبرومندانه و عزتمندانه» است. مثلا یکی از بحث‌های مهمی که به آن می‌پردازیم، موضوع اربعین است و اینکه بالاخره تکلیف مهاجرین افغانستانی برای رفتن به کربلا در اربعین چیست؟ چون این علاقه در آن‌ها هست اما متأسفانه با موانع و مشکلاتی مواجه می‌شوند. یک سری نکاتی هم در برنامه اتفاق افتاده که ما برای آن تعمد داشتیم. مثلا مجری برنامه ما با اینکه افغانستانی است اما لهجه تهرانی دارد. چون از این طریق مفهوم «وطن‌دار» را برجسته می‌کنیم. این مجری همین جا به دنیا آمده، بزرگ شده و الان هم در این کشور مدیر مدرسه است. یعنی خواستیم بگوییم بین ایرانی و افغانستانی هیچ فرقی نیست و ما همه یکی هستیم. شما ببینید، در همه سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، با اینکه میلیون‌ها مهاجر افغانستانی در ایران زندگی کرده‌اند اما حتی یک بار سابقه جاسوسی رخ نداده است. این موضوع خیلی مهمی است.

*** یکی از مسائل مهم درباره افغانستان، نزد ایرانی‌ها، تأثیر حضور غرب در آن کشور بوده است. ۱۴ سال قبل که آمریکا به افغانستان حمله کرد، برخی آدم‌های ساده‌لوح دچار این پندار شدند که قرار است افغانستان تبدیل به کشوری پیشرفته و مرفه شود. آیا این اتفاق افتاده است؟**

ظهوری: آمریکا به ویژه بعد از ورشکستگی اقتصادی و رسوایی‌ای که پیش رو داشت، با حرکت مشکوک حمله به برج‌های دوقلو و واقعه ۱۱ سپتامبر، زمینه را برای حمله به دو کشور افغانستان و عراق فراهم کرد، اما مسلم است که صرفا در پی منافع خودش بوده است. بعد از حمله آمریکا به افغانستان، آمریکا هیچ کمکی برای رفاه یا برای باز سازی زیرساخت‌های اساسی این کشور نکرد، بلکه میلیاردها دلار کمک‌های مالی جامعه جهانی که به افغانستان سرازیر می‌شد را به نفع ناتو و فعالیت‌های نظامی مصرف می‌کرد. هیچ کمکی از سوی غرب حتی برای تقویت امنیت در آن کشور صورت نگرفت. برخی از کشورها هم هدفشان از حضور در افغانستان، ترویج فرهنگ خودشان بود و به دنبال فعالیت‌هایی بودند تا افغانستان را از ارزش‌های اسلامی تهی کنند. مسلم است که نه تنها رفاه در افغانستان به وجود نیامد که ارزش‌هایی هم که در این کشور وجود داشت و دارد، هدف هجمه قرار گرفت و تخریب شد.

اسلام‌زاده: شیطان همیشه به جای آب، سراب را نشان می‌دهد. آمریکایی‌ها هم متأسفانه کارشان این است که نه فقط در افغانستان بلکه در همه جای جهان، سراب را نشان می‌دهند. آمریکا بعد از ۱۴ سال اشغال افغانستان، هیچ نتیجه مثبتی در دست ندارد. بزرگ‌ترین دستاوردی که آمریکا در افغانستان به آن افتخار می‌کرد، امنیت بود که الان در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد. آنها همواره به دنبال ایجاد تفرقه و جلوگیری از وحدت در افغانستان بوده‌اند. حتی دموکراسی را هم نتوانستند وارد افغانستان کنند که شاهد مثال، همین انتخاباتی بود که اخیرا با مشکلات فراوانی برگزار شد.

در زمینه فرهنگی نیز فعالیت‌های غربی‌ها نتیجه‌ای جز گسترش فساد در افغانستان نداشته است. شبکه‌هایی که به صورت گسترده با شعار آزادی در این کشور فعالیت دارند، کاری جز اشاعه فحشا ندارند. یکی از اقدامات منفی آن‌ها، ضریب دادن به جریان‌های غرب‌زده در یک جامعه متدین و مذهبی است. نتیجه‌اش هم این شده که آمار خودکشی در افغانستان نسبت به سال‌های قبل افزایش بسیار زیادی داشته است.

*** سیاست رسانه‌های فارسی زبان غربی مثل بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا و ... را در قبال مسائل افغانستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اسلام‌زاده: سیاست کلی رسانه‌های غربی در حوزه کشورهای اسلامی دو خط است؛ یک: نمایش تصویری غیرمنطقی از اسلام‌گراها. دو: تعریف آزادی براساس معیارهای غربی. این رسانه‌ها روی بحث‌های حقوق بشری خیلی کار می‌کنند و تلاش دارند تا چهره اسلام را غیرمنطقی نشان دهند.

رضوی: به‌طور مشخص خطی که توسط رسانه‌های غربی در افغانستان پی گرفته می‌شود این است که مانع نزدیک شدن ملت‌های ایران و افغانستان به هم شوند. در مسئله سیاسی آن کشور هم شبکه بی‌بی‌سی فارسی یک کار اطلاعاتی- امنیتی برای حضور داعش در افغانستان را اجرا می‌کند. بطور مثال، بازوی رسانه‌ای انگلیس، خبر مرگ ملاعمر را از زبان منصور دادالله که سرکرده یک گروه بی‌نام و نشان با نام «محاذ فدایی» است اعلام کرد. با این کار، از وی یک چهره ساختند. جالب این است که بلافاصله پس از این کار، دادالله پرچم داعش را در افغانستان بالا برد. همچنین بی‌بی‌سی فارسی مراسم بیعت گروه انشعابی طالبان که بعد ها با داعش بیعت کردند را توسط سه دوربین و با کیفیت بسیار بالا پوشش داد. بعد از آن هم هر روز به آنها تریبون می‌داد تا مواضع خود را اعلام کنند.

متأسفانه در داخل کشور هم برخی از جریان‌ها همان خط بی‌بی‌سی را درباره مهاجرین افغانستانی دنبال می‌کنند. جریانی که البته در اقلیت هستند اما در برخی از روزنامه‌ها قلم می‌زنند. مثل همان روزنامه‌ای که به نقل از یکی از شخصیت‌های سیاسی افغانستان به دروغ تیتر زد که مهاجرین افغانستانی توسط ایران به زور به سوریه اعزام می‌شوند!

***سخن پایانی و جمع‌بندی شما چیست؟**

ظهوری:حدود ۱۵ سال قبل، موقعی که طالبان در افغانستان حاکم بود و هنوز آمریکا به آن کشور حمله نکرده بود برنامه‌هایی مثل «مجله افغانستان» در صداوسیما شروع شد، که من همکاری داشتم و خیلی تأثیرگذار بود اما تعطیل شد. اکنون بعد از وقفه‌ای طولانی شاهد پخش برنامه «شما که غریبه نیستید» بودیم که تمام شد و برنامه «وطن‌دار» هم مکمل این برنامه‌هاست که هنوز قسمت‌های باقی مانده آن پخش می‌شود و امیدواریم باز هم ادامه داشته باشد.

اسلام‌زاده: ما در زمینه برنامه‌های تلویزیونی در اول راه هستیم. «وطن‌دار» یک نهال است. هر کس هم نقدی دارد ما با آغوش باز می‌پذیریم.

رضوی: ما خیلی خوشحالیم که بعد از ۳۷ سال از پیروزی انقلاب، رسانه ملی به این بلوغ رسید که این اتفاق بیفتد. با وطن‌دار ما بهانه را از دست ناسیونالیست‌های رادیکال ایرانی و افغانستانی گرفتیم و حالا دیگر مهاجرین افغانستانی هم در ایران دارای یک تریبون هستند.

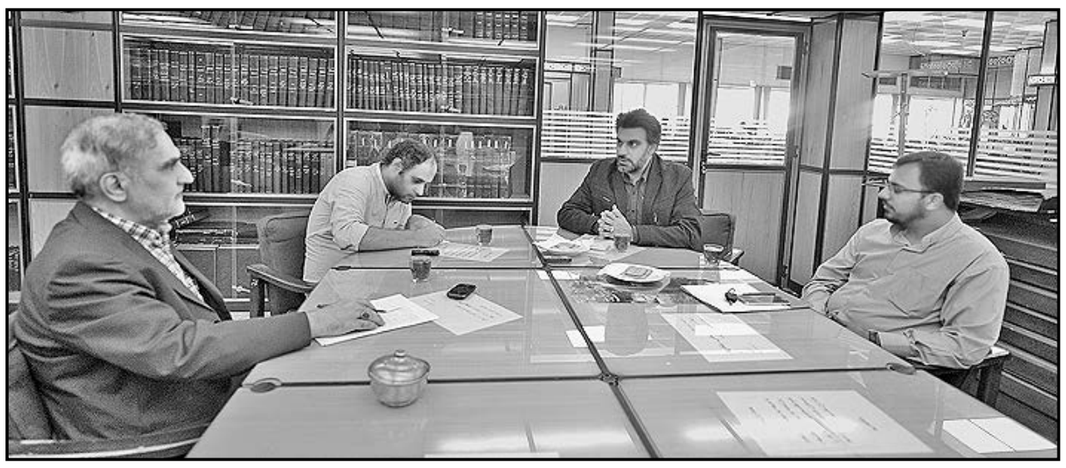

افغانستانی‌ها همواره ما را به عنوان انصار و خودشان را به عنوان مهاجرین یاد می‌کنند. یک ادبیات اسلامی و انسانی و یک مراوده‌ای بین دو کشور برقرار است و خوشحال هستم که در این پروژه حضور دارم و می‌توانم به اندازه کوچکی به این مراوده کمک کنم.

بی‌بی‌سی فارسی یک کار اطلاعاتی- امنیتی برای حضور داعش در افغانستان را اجرا می‌کند. بطور مثال، بازوی رسانه‌ای انگلیس، خبر مرگ ملاعمر را از زبان منصور دادالله که سرکرده یک گروه بی‌نام و نشان با نام «محاذ فدایی» است اعلام کرد. با این کار، از وی یک چهره ساختند. جالب این است که بلافاصله پس از این کار، دادالله پرچم داعش را در افغانستان بالا برد.

به بهانه فیلم مستند «بازی»

تصویری از بازی تکراری و شکست خورده غرب

■ سعید مستغاثی

بازی فوتبال تاریخی ایران و آمریکا در چارچوب مسابقات جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه را که به خاطر دارید. همان بازی فوتبالی که تیم ملی فوتبال ایران با دو گل تاریخی، تیم فوتبال پرمدعای آمریکا را به زانو درآورد. به دلیل تبختر و نخوت آمریکایی‌ها که حتی بازی‌های ورزشی رانیز به کل بود و نبودشان بسط می‌دهند، پس از آن شکست بارها و بارها سعی کردند آن را جبران کنند و حتی یک بار تیم ایران را با شرط عدم انگشت نگاری (برخلاف تمام قواعد امنیتی شان) به آمریکا دعوت کردند اما بازهم نتوانستند آن شکست تاریخی را جبران کرده و در زمین خود به یک نتیجه مساوی رضایت دادند!

اما همه اینها چه ارتباطی به فیلم مستند «بازی» دارد؟ ربطش آن است که مهدی نقویان کارگردان جوان و مستعد این فیلم مستند، با هوشمندی آن بازی تاریخی را در میان بخش‌های فیلمش به گونه‌ای گنجانده که معنایی دو گانه را از فیلم مستفاد می‌گرداند؛ اول اینکه با جابجا کردن و قراردادن تصاویر بخش‌های مهم آن بازی مانند گلهای ایران و آمریکا و حملات موثر و لحظات تماشایی، فیلم را به فصل‌های قابل تاملی تقسیم نموده تا هم به حرف‌های خود روندی تاریخی بخشد و هم آنها را به قول معروف کلاسه‌بندی شده ارائه نموده تا مخاطب بهتر بتواند انبوه اطلاعات فیلم را دریافت کند.

و دوم اینکه بگوید همه آنچه آمریکا و غرب تحت عناوین مختلف و به بهانه‌های گوناگون علیه ایران و مردم و انقلابش در طول این ۳۸ سال انجام دادند، جز یک بازی بیش نبوده و اساس همه این بهانه‌ها و دستاویزها در واقع نشانه گیری اصل انقلاب و نظام اسلامی است.

اما اصل فیلم «بازی» درباره تحریم‌های غرب و به خصوص آمریکا علیه ایران است؛ از همان ابتدای پیروزی انقلاب و به قول معروف «بای بسم الله» تا به امروز که شش ماهی هم از اجرای برنامه اقدام جامع مشترک موسوم به «برجام» گذشته و به قول شخص وزیر خارجه آمریکا در همین چند روز پیش که گفت تحریم‌های وضع شده پس از توافق هسته‌ای علیه ایران ، بیش از تحریم‌های قبل از آن بوده است!!

به هر حال فیلم مستند «بازی» کل اطلاعات درباره همه آنچه که یک نفر می‌خواهد درباره ماجرای تحریم‌ها بداند را در یک بسته تصویری خوش ساخت و خوش ریتم (البته کمی طولانی‌تر از یک مستند صرفا روایی و آرشیوی) با همان فاصله‌گذاری‌های بخش‌بندی شده و با تصاویری از بازی فوتبال ایران و آمریکا به وی ارائه داده است. هوشمندی فیلمساز جوان ما، آنجاست که این روایت را به گونه خطی و مستقیم و خیلی خشک و آکادمیک پیش نبرده و با جابه جا کردن برخی زمان‌ها، نقاط کلیدی مورد نظرش را نیز برجسته کرده و دراینجا از تکنیک بازگشت به گذشته در یک مستند به خوبی بهره جسته است.

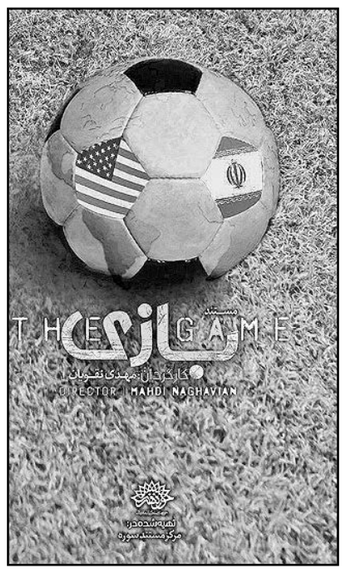

بر همین اساس فیلم مستند «بازی» از جلسه‌ای محرمانه در اواسط سال ۲۰۱۰ میلادی و پس از شکست فتنه ۸۸ با حضور همه دشمنان جهانی و منطقه‌ای ایران شروع شده و از آنجا به روزهای نخست انقلاب و اولین چالش‌های ایران و آمریکا به اصطلاح فلاش بک می‌خورد. از اینجا تقریبا اغلب وقایعی که منجر به وضع و اجرای تحریم‌های مختلف علیه ایران شد، در قاب دوربین قرار می‌گرد (به جز بازه زمانی ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ که موضوع تهاجم به طبس و کودتای نوژه و سپس جنگ تحمیلی نادیده گرفته شده) و پس از طی حدود ۳۰ سال مجددا به همین نقطه شروع فیلم یعنی همان جلسه محرمانه بازگشت می‌کندکه حالا برای تماشاگر معنای دیگری پیدا کرده وقتی مخاطب با اطلاعاتی که از حدود ۴۰-۴۵ دقیقه فیلم بدست آورده، مجددا با مرحله جدید تحریم‌ها علیه ایران مواجه می‌شود که با چراغ سبز فتنه گران به شورای امنیت کشیده شد.

فیلم مستند «بازی» اگرچه در بخش‌هایی دچار کم گویی است اما برخلاف برخی فیلم‌های مستند که این روزها توسط جریان سینمای منتسب به جبهه انقلاب اسلامی ساخته می‌شود، غلط گویی ندارد. گروه تحقیق و پژوهش فیلم اگرچه از آنچه آمریکا را به سر میز مذاکره با ایران آورد (و بارها از اوباما و کری گرفته تا وندی شرمن و دیگران بدان اعتراف کردند) یعنی ناچاری برای‌گریز از پیشرفت‌های هسته‌ای و تکنولوژیک ایران، سخنی نمی‌گویند و گلهای ایران به آمریکا در آن بازی تاریخی را در پیشرفت‌های شگفت انگیز موشکی و نانو و سلولهای بنیادی و فن آوری هسته‌ای و رشد حیرت آور علمی و ورزشی و ... معنا نمی‌کنند اما کارگردان با هوشمندی از این حفره‌های خالی عبور کرده، صحنه گل نخست ایران را به تحقق فرمایشات مقام معظم رهبری در حماسه سیاسی خواندن انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری (علیرغم خواست و پیش‌بینی دشمنان) پیوند می‌زند، بازی فرسایشی آمریکا پس از گل را به بدعهدی آمریکا در وعده‌های پس از برجامش ربط می‌دهد و سرانجام گل پیروزی ایران را به عملی شدن توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در آینده با تکیه بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های داخلی و محقق شدن همان شعار «ما می‌توانیم» مرتبط می‌گرداند.فیلم «بازی» از مستندساز جوان وخوش‌قریحه، مهدی نقویان (که کار قابل تامل «رمز و راز ملکه» و چند اثر مستند دیگر را هم در کارنامه خودش دارد) در کنار فیلم‌های مستندی که این روزها در جمع بالنده فیلمسازان جوان جبهه انقلاب تولید می‌شود، نوید روزهای خوبی برای سینمای ایران است. ان‌شاءالله.